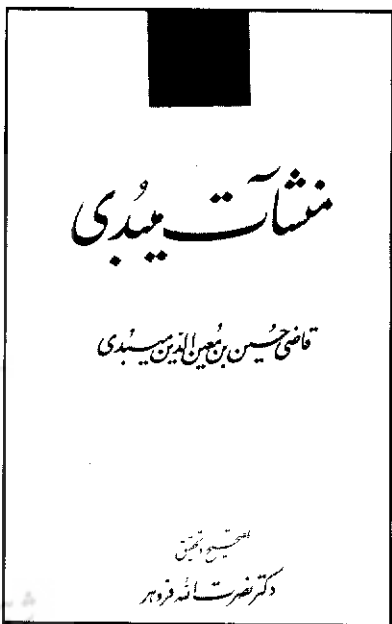


بازتابی از تاریخ و ادبیات ترکمانان آق قویونلو

○ پرویز عادل



- منشآت میبدی
- تألیف: قاضی حسین بن معین الدین میبدی
- تصحیح و تحقیق: دکتر نصرت الله فروهر
- ناشر: نقطه و دفتر نشر میراث مکتوب، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶

مجموعه‌های منشآت که با ماهیت ادبی و تاریخی خویش مضامین مهمی همچون عناوین، القاب، مناصب، احکام، فرامین، آداب و رسوم و نظایر آن را در بر دارند گاهی نیز حاوی اطلاعات ارزنده‌ای در زمینه روابط خارجی دول با یکدیگر بوده و گاه نیز موضوعات مختلفی چون ملکداری، آداب طریقت و معیشت را نیز تحت پوشش قرار می‌دهند. بدین لحاظ می‌توانند در چندین حوزه از علم و دانش متبعی موثق و کارآمد محسوب گشته و در تحقیقات متنوعی در قلمرو تاریخ و ادبیات به کار آیند.

آغاز تدوین منشآت به دوران غزنویان برمی‌گردد که توسط دبیر معروف آن عصر، ابوالفضل بیهقی ایجاد گردید. این فن در زمان سلجوقیان رشد کرد و در ادوار بعدی با سرعت به کمال رسید. بدین گونه منشآت به یکی از منابع مهم تاریخی تبدیل شد.

یکی از منشیان معروفی که در زمان‌های بعدی خوش درخشید قاضی حسین بن معین الدین میبدی (متوفی به سال ۹۱۱/۹۰۹/۹۰۴ هـ. ق) است. وی ادیب، ریاضی دان و حکیم اواخر سده ۹ و اوایل سده ۱۰ هـ. ق. بود. او از شاگردان مولانا جلال الدین دوانی (۹۰۷/۸ - ۸۳۰/۱ هـ. ق) بود و در فلسفه و عرفان مهارت کاملی داشت. میبدی در شعر نیز دست داشته و «منطقی» تخلص می‌کرده است. او آثار دیگری نیز دارد که عبارتند از: شرح الهدایة فی الحکمه، مرتضی الرضی فی شرح الکافیة، شرح الشمسیة فی المنطق، شرح حکمة العین، شرح آداب البحث، شرح حورائیه، حاشیة شرح طوابع الانوار، حاشیة تحریر اقلیدس، حاشیة تحریر مجسطی، حاشیة شرح المخلص فی الهیئة، شرح خبر کمیل، شرح خبر قد سعد ناذری الحقایق، جام گیتی نما، رساله فن رویة شبح الشی و فی الماء المشهور برسالة الظل، دیوان اشعار فارسی، رساله در فن معما، شرح گلشن راز و همچنین علیه التحیه والغفران.

میبدی منشآت خود را با سپاس خداوند و با تفسیری بر آیه «فأتوا بسورة من مثله» [پس سوره‌ای همانند آنرا بیاورید] آغاز نموده و هم‌آوردی می‌طلبد تا شاید بدینگونه کتاب خویش را بی‌نظیر معرفی نماید.

منشآت میبدی که مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی را شامل می‌شود بنا به اهمیت چند جانبه‌ای که دارد می‌تواند در زمره مهم‌ترین منابع سده‌های ۹ و ۱۰ هـ. ق. قرار گیرد. منشآت میبدی شامل صد و دوازده نامه یا مکتوب بوده و بدلیل منحصر به فرد بودن برخی مکتوبات و نیز بنا به سلیقه مصحح محترم در دو بخش هشتاد و سپس سی و دو مکتوبی تنظیم شده است. هشتاد نامه اول در تمام چهار نسخه خطی مورد استفاده مصحح مشترک بوده‌اند. اما سی و دو نامه دیگر منحصر به فرد بوده و در یکی از آن چهار نسخه مذکور وجود داشته‌اند.

شایان تاکید است که این مکتوبات گاه در جواب یکدیگر و گاه نامه بی پاسخی را شامل میشوند که رویهم رفته اطلاعات ارزشمندی را بدست میدهند.

اشاره به اوضاع و احوال سیاسی کشور در زمان حیات مؤلف، یکی از نقاط قوت منشآت میبدی است. همچنین به منسوخ گشتن علوم تفسیر، حدیث و فقه بر اثر تعطیلی مدارس اشاره کرده و سپس تحریف کلام حکام را به بحث میکشد. (نامه شماره ۷۵).

در آن میان و در برخی موارد، میبدی عرض حالی نوشته و با خویشتن به مشورت میبرد. او در آن مشاوری به «دل» و «عقل» رجوع نموده و جواب سوالات خویش را از آن دو مرجع درونی دریافت میدارد. او که بدینوسیله خویشتن را «صاحب‌دل» و «عقل‌گرا» معرفی مینماید، خواننده را به توجه هر چه بیشتر بر آن موارد و همچنین غور در آن مقولات رهنمون میگردد.

قاضی میبدی با تعبیر ادبی بسیار زیبایی،



منشآت میبیدی که مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی را شامل می‌شود بنا به اهمیت چند جانبه‌ای که دارد می‌تواند در زمره مهم‌ترین منابع سده‌های ۹ و ۱۰ ه. ق. قرار گیرد

چگونگی پرداختن بدین اثر را آورده و اتکاء به بررسی «فنّ انشاء» را در شناسایی چهره واقعی افراد لازم می‌داند. قاضی در جایی معتقد است: «قوت خیال که در دیوانخانهٔ دماغ به فنّ انشاء معروف بود و به انواع فضایل قصب سبق از اهل قلم می‌ربود خواست... به هر طریق که میسر شود پرده خفا از چهرهٔ احوال و جبین آمال خویش بگشاید، خرد گفت: این حکایت را اول و آخر ظاهر نیست... بنابراین... صرف عنان قلم را به طرف احوال دگر اولی دید» (نامه شماره ۲).

کمی دقت در سخن میبیدی، خواننده را با این سوال روبرو میکند که آیا فنّ انشاء باعث کنار گذاشته شدن پردهٔ خفا و پی بردن به واقعیت امور و عمق قضایا می‌گردد؟ از سوی دیگر، آیا میبیدی با این طرز بیان پرداختن بدین اثر را ناشی از خرد می‌داند؟ به دیگر سخن، آیا میبیدی تالیف خویش را اثری خردمندانه معرفی می‌نماید؟

در کتاب قاضی میبیدی از اشعار به طرز جالبی استفاده شده است. بدین صورت که هر شعری در توصیف عرض حالی آمده است و هر کدام از آنها شامل عرض حال شخصی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی است و به نحو مفیدی بازگو کنندهٔ وقایع و اخبار تاریخی می‌باشند. در واقع مولف ضمن آوردن یک مکتوب، خبری تاریخی را آورده و سپس شعری نیز در وصف آن واقعه و یا آن حالت بیان کرده و به رویدادهای تاریخی اشاره نموده است. قابل ذکر است که در این اثر علاوه بر شعرهای مؤلف، به اشعار شعرای دیگر مانند منتبّی، حافظ، سعدی، مولوی و دیگران برمیخوریم که از آن میان اشعار حافظ نمود خاصی یافته و جای به جا استفاده شده‌اند و مؤلف بدین وسیله ارادات خویش را نسبت به خواجهٔ شیراز ادا کرده و اشعار او را ارج نهاده است.

از موضوعات مهمی که در این اثر جلب توجه می‌نماید «مکتوبات عربی» هستند که نامه‌های شماره ۵، ۱۲، ۱۳، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۶، ۲۹، ۳۴، ۵۶،

۶۱، ۶۳، ۶۹، ۲۱ (مکتوب آخر)، ۲۲ (مکتوب آخر)، ۲۵ (مکتوب آخر) از این دست می‌باشند. مکتوبات عربی مذکور همانند مکتوبات پارسی مضامین مختلفی را در بر داشته و اطلاعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مفیدی بدست می‌دهند.

با مطالعه منشآت میبیدی می‌توان به شناختی از دیدگاه فکری و عقیدتی مؤلف دست یافت. بعنوان مثال، او در نامهٔ شماره ۹ معتقد است که «بنای دولت و سعادت ایشان بر دوام و استمرارست» و آنرا با بیت «نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد. عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد» می‌آراید. چنین به نظر می‌رسد که مؤلف والا مقام در جریان گذر زمانه به «دیدگاه چرخشی یا دوری» معتقد می‌باشند. همچنین در همان مکتوب از دست افرادی می‌نالند که «خاک فلاکت بر مدارس بیخته و آبروی طلبه و مدرّس ریخته‌اند». او که بدینوسیله از اوضاع اجتماعی و فرهنگی عصر خویش شکایت میکند در واقع از اقدامات غیر فرهنگی دوران خود انتقاد می‌کند.

علاوه بر آن، برخی مواقع به «درویشان خاکساری» و گاه به «درویشان نوربخشیه» ارادت خاصی ورزیده و آنها را می‌ستاید. وی در جایی پا را فراتر گذاشته و دولت درویشان را زوال‌ناپذیر میدانند و بدنبال آن هم بیت «دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال. بی تکلف بشنو دولت درویشان است» را بعنوان دلیل مدعای خود ذکر میکند (نامه شماره ۲۵).

با توجه به مطالب یاد شده می‌توان چنین استنباط نمود که آراء و عقاید و افکار مسلک درویشی به نحو کاملی بر قاضی میبیدی غالب بوده است.

در ادامه به چند نمونه از مکتوبات میبیدی که جای تامل دارند نظری افکنده می‌شود: نامهٔ شماره ۱۶ از طرف شاه شرف الدین محمود دیلمی نوشته شده است. فرد اخیرالذکر در

مجموعه‌های منشآت که با ماهیت ادبی و تاریخی خویش مضامین مهمی همچون عناوین، القاب، مناصب، احکام، فرامین، آداب و رسوم و نظایر آن را در بر دارند گاهی نیز حاوی اطلاعات ارزنده‌ای در زمینه روابط خارجی دول با یکدیگر بوده و گاه نیز موضوعات مختلفی چون ملکداری، آداب طریقت و معیشت را نیز تحت پوشش قرار می‌دهند

این مکتوب از اوضاع ناآرام سیاسی منطقه (۴) نالیده و از دفع آن ناآرامی اظهار عجز میکند، سپس با استمداد از قدرت مرکزی، نامهٔ خویش را به پایان می‌برد.

میبیدی در نامهٔ بعدی یعنی نامهٔ شماره ۱۷ که به زبان عربی است و مصحح کتاب احتمال میدهد در جواب نامهٔ قبل باشد، مخاطب خود را به حکومت حق دعوت نموده و او را از ادبیت فقرا منع می‌کند که این امر خود بیانگر عقیدهٔ میبیدی در مورد نظام حکومتی و یا نظر پیشنهادی او در امر حکومت است.

همچنین میبیدی در نامهٔ شماره ۳۴ از شخصی فاضل، در نامهٔ شماره ۳۸ از حسد و بدخواهی مردم، در نامهٔ شماره ۳۹ از عداوت و دشمنی بدخواهان و نیز در نامهٔ شماره ۴۶ از اهل



قابل توجه است که تحقیق مجزایی تحت عنوان

«قضاوت از نظر میبیدی» را طلب می‌کند.

در ارزیابی جایگاه این اثر باید به «فهرست هفت اورنگ جامی» اشاره کرد که در قسمتی از منشآت میبیدی گنجانده شده است. امر مذکور جنبه ادبی کتاب میبیدی را تقویت نموده و مثنوی‌های هفتگانه اثر معروف جامی را بر می‌شمارد، علاوه بر آن اوزان شعری هر یک از آن مثنویها را نیز متذکر گشته و سپس قافیه هر کدام را یادآور می‌گردد.

مکتوبات یا نامه‌های منشآت میبیدی را به دلیل تنوع موضوعی و تنوع مخاطبین نمیتوان به یک یا چند موضوع و شخص خاصی محدود نمود. بدان علت از پراکندگی موضوعی زیادی برخوردار بوده و از یک قالب عمومی برخوردار نیست. نکته جالب‌تر اینکه بیشتر اشخاص یاد شده، افرادی گمنام و یا کمتر شناخته شده هستند. اشخاص مهمی که در این اثر ذکر شده‌اند عبارتند از: مولانا جلال‌الدین دوانی، سلطان ابراهیم بن سلطان پالمیر، سلطان منداد، مولانا محمد تالشی، قاضی صفی‌الدین عیسی، قاضی امام‌الدین شیخ علی، شاه شرف‌الدین محمود دیلمی، مولانا غیاث‌الدین ابو اسحق تبریزی، شرف‌الدین ابو اسحق، خواجه نظام‌الدین احمد، شیخ محمد لاهیجی، امیر سراج‌الدین عبدالوهاب، شاه نعمت‌الله، خواجه حسام‌الدین ابراهیم، سید نصرالله، مولانا عماد‌الدین، سید محمد ریس‌مان باز، جلال‌الدین تیرانداز، محمد قوأس، پهلوان جلال‌الدین کاشی، امیر علیشیر،

نامه شماره ۶۲ مفصل‌ترین نامه از مجموعه منشآت میبیدی است که در حیطه «علم حقوق قضایی» نیز می‌تواند قابل مذاقه باشد

چنین به نظر میرسد که مؤلف در جریان و گذر زمانه به «دیدگاه چرخشی یا دوری» معتقد است

مؤلف ضمن آوردن یک مکتوب، خبری تاریخی را آورده و سپس شعری نیز در وصف آن واقعه و یا آن حالت بیان کرده و به رویدادهای تاریخی اشاره نموده است

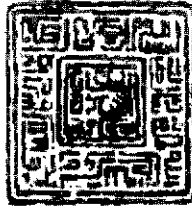
اوضاع و احوال قضاوت در اواخر سده ۹ و اوایل سده ۱۰ ه. ق. است.

میبیدی شرایط قاضی و مفتی شافعی مذهب را چنین برمی‌شمارد: «... غرور و روضه و مهمات را مطالعه کرده باشند، و اصول فقه نیک دانند، و از تفسیر و حدیث و قوف تمام داشته باشند و مدرّس می‌باید که از عهده اکثر علوم عقلیه و نقلیه بیرون تواند آمد و واعظ می‌باید که مطالعه تفسیر قاضی و احیاء امام غزالی کرده باشد...» (ص ۱۷۳). توضیحات میبیدی در این باره به قدری مفصل و

روزگار نالیده است. با دقت در این نامه‌ها که در واقع «شکوائیه‌های میبیدی» می‌باشند می‌توان گفت که میبیدی در مورد حکومت و نظام حکومتی به حکومت عدل یا حق معتقد است. به دیگر سخن، او به «نظریه حکومت الهی» قائل بوده که با دین مبین اسلام نیز همخوانی و مطابقت دارد.

نامه شماره ۶۲ مفصل‌ترین نامه از مجموعه منشآت میبیدی است که در حیطه «علم حقوق قضایی» نیز میتواند قابل مذاقه باشد. میبیدی در این نامه با استناد به آیات قرآن و احادیث نبوی و همچنین با ارائه دلایل سی گانه، خود را از اتهام ارتشاء می‌زا می‌داند و به دنبال آن عملکرد خویش را در امور قضاوت توضیح داده و سپس آنرا مشروع اعلام مینماید. او در این مکتوب با ارائه دلایلی گوناگون به دفاع از خود و حیثیت شغلی خویش میپردازد. آن نامه که میتواند «دفاعیه قاضی میبیدی» نام بگیرد بیانگر نکات سیاسی و اجتماعی زیادی از زمان مؤلف است. خطیر بودن امر قضاوت، شرایط قاضی از نظر مذهب شافعی، عملکرد قاضی میبیدی در برابر اشرار و مفسدین، دعوت طرفین دعوا به صلح و آشتی قبل از صدور حکم نهایی، دل نازک بودن میبیدی و دوری از صدور حکم ضرب و شتم و قتل، دودلی قاضی بر اثر سخنان پراکنده طرفین دعوا و نحوه عملکرد وی در آن هنگام، ناراضی‌مندی محکومان از حکم صادره و عواقب سوء آن، تقسیم فی و غنیمت به پنج قسمت و موضوعاتی از ایندست، موضوعاتی هستند که در این نامه به آنها اشاره شده و بیانگر





در کتاب قاضی میبیدی از اشعار به طرز جالبی استفاده شده است. بدین صورت که هر شعری در توصیف عرض حالی آمده است و هر کدام از آنها شامل عرض حال شخصی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی است و به نحو مفیدی بازگو کننده وقایع و اخبار تاریخی میباشند

میرعلی بیگ، مولانا مسعود، درویش حسین منصور، امیر نورالدین احمد، مولانا زین‌الدین علی فریدی، مولانا محمد طیب، خواجه عبدالله سمرقندی، خواجه یحیی بن خواجه عبدالله سمرقندی، الهی بیگ، ابوالمظفر شاه اسماعیل الحسینی، محمدشاه، عبدالقادر، یعقوب بهادرخان، میرزا شیخ علی سلیمان و نیز افراد دیگری که متاسفانه هویت آنان مشخص نیست. از سوی دیگر این امر دلیل موجهی بر محلی بودن این اثر ادبی - تاریخی باشد تا بلکه خود را به عنوان «تاریخی محلی» جلوه‌گر نماید.

یکی از مشکلات منشآت میبیدی در نامه یازدهم نهفته است که مربوط به واقعه‌ای سیاسی بوده و «بروز فتنه و فرار داروغه به فیروزکوه» را بیان میکند. مکتوب مذکور آنقدر گنگ و مبهم است که سال وقوع فتنه، نام داروغه و عاملان فتنه را معلوم نکرده و خواننده را با ابهامات زیادی روبرو مینماید. از دیگر مشکلات منشآت میبیدی این است که برخی مکتوبات بدون عنوان آغاز میگردند و در آنها برخی مواقع تنها نام فرستنده و یا گیرنده و گاه حتی بدون نام ایشان نوشته شده‌اند که جهت اطلاع از ماهیت آنان ناچار باید به متن مکتوب رجوع نمود. اگر مصحح محترم کتاب درباره هر مکتوب توضیح مختصری ارائه می‌نمود بدون شک استفاده از این اثر ارزشمند سهل‌تر و مفیدتر می‌گردید. هرچند که ایشان با تصحیح و تحقیق خود خدمت علمی بزرگی نموده‌اند.

درباره اثر میبیدی نکته دیگری نیز قابل ذکر است: در حالی که اکثر منشآت در مورد روابط خارجی دول، اطلاعات ارزنده‌ای بدست میدهند اما

متاسفانه منشآت میبیدی در این مورد سکوتی مطلق اختیار کرده است. البته در آن میان نامه شماره ۷ نمود دیگری دارد که نامه دوستی و مودت سلطان منداد (؟) به محمدشاه (؟) است. اما با نهایت تاسف اطلاع دیگری از این نامه بدست نمی‌آید. منشآت میبیدی به دلیل استناد به آیات قرآن، احادیث نبوی و تفاسیر مختلف، رنگ و روی فقهی به خود گرفته است. از طرف دیگر اصول و مباحث فلسفه و عرفان نیز به نحو چشمگیری در نگارش این اثر تاثیرگذار بوده‌اند.

این امر را به طور آشکار در توجه وی به درویشان و احوال ایشان، اشاره به اسماء نود و نه گانه خداوند و پرداختن به مباحثی چون شرک خفی، نفس اماره، وحدت در عین کثرت، مراتب پنجگانه وجود، توبه نصوح، فلسفه اشراقیان و مشائین و مسائلی از این دست می‌توان دید. موارد مذکور تا بدانجا پیش رفته‌اند که منشآت میبیدی را به جامعه فلسفه و عرفان ملیس نموده‌اند.

در تکمیل سخن فوق باید گفت که توجه میبیدی به درویشان، به علاقه او در زندگی درویشی و قناعت‌پیشگی بر میگردد که خود وی دلیل آنرا «کاسد شدن متاع فضل و فاسد شد دماغ زمان» می‌داند. بدان دلیل در ادامه می‌افزاید «... سلسله مقدسه «نوربخشیه» در میانه ما واسطه ازدواج قلب و رابطه امتزاج روح است و تعارف درویشان متضمن انواع فیض و اصناف فتوح است» (ص ۱۱۹).

وجود اشعاری به زبانهای فارسی و عربی، همچنین به کارگیری فنون و صنایع ادبی مهمی همانند استعاره، کنایه، متمع، تلمیح، مراعات نظیر و غیره به طرز جالبی در اثر میبیدی جلوه‌گر شده که به توبه خود یکی از نقاط قوت منشآت میبیدی است. البته در این میان استعاره و کنایه نمود بیشتری دارند. در این مجال برای آشنایی بیشتر به نمونه‌هایی از این موارد اشاره می‌شود: «همای همایون فال و طوطی فارغبال که از محیط کمال و اوج جلال متوجه مرکز افتقار و حسیض انکسار شده بود به طالع سعد نزول یافت و قوت عاقله که میان اعیان جهان و اقران زمان دعوی سرعت و حدت می‌کند به فهم دقایق و حل حقایق که در ضمن آن متدرج و در طی آن مندمج بود شتافت...» (ص ۹۸) و یا مثالی دیگر: «تا آتش

یکی از مشکلات منشآت میبیدی این است که برخی مکتوبات بدون عنوان آغاز میگردند و در آنها برخی مواقع تنها نام فرستنده و یا گیرنده و گاه حتی بدون نام ایشان نوشته شده‌اند که جهت اطلاع از ماهیت آنان ناچار باید به متن مکتوب رجوع نمود

فراق مرا به داغ شوق موسوم ساخته و زر قلب مرا در بوتۀ محنت محبت گذاخته، غیرت عشق باعث می‌شود که روی غیر نبینم، و حیرت دل اقتضا می‌کند که در زاویه خمول منزوی بنشینم» (ص ۱۷۷) و همچنین، «تبغ آبدار مردان کار چون امواج بحر در تموج، و بحر زخار خنجر قاطع اعمار در تلاطم درآمد، آب تبغ بحر اثر به هر کس رسید او را از سرگذشته و از خود اثر ندید، و هر نامدار که خود را به موج آن آب داده مانند جیحون غرقۀ فنا گشته مالش رسید، موج حسام خون آشام نهنگان محیط رزم را غریق لجه فنا گردانید و آب صمصام انتقام را ضرب اساوران به گردن اعدا رسانید:

به دشمن کنی تیز شد تیغها

برآمد زدریای خون میغها

زشمشیر شمشیرزن تیز تر

زچشم بُتاف فتنه انگیزتر». (ص ۲۲۳)

ضعف عمده منشآت میبیدی این است که هیچ یک از نامه‌ها و مکتوبات، زمان تاریخی مشخصی را به دست نمی‌دهند. بنابراین می‌توان از روی قرائن و شواهد تاریخی، مکتوبات را به زمان حیات مؤلف که دوران ترکمانان آق قویونلو بوده است نسبت داد. از آنجا که در برخی مکتوبات به نام یعقوب بهادرخان بر میخوریم به نظر می‌رسد همان سلطان یعقوب آق قویونلو (۸۹۶-۸۸۳ ه. ق.) باشد. بنابراین در تعریف این کتاب میتوان گفت که منشآت میبیدی منبعی از دوران ترکمانان آق قویونلو (و شاید سلطان یعقوب) بوده و بیشتر در مورد امور داخلی آن دولت و در قالبی محلی به بحث و بررسی میپردازد.

از نظر ساختار و محتوا، منشآت میبیدی بجز



سه مورد یعنی نامه‌های شماره ۴۵، ۱۹ (مکتوب آخر) و ۱۳ (مکتوب آخر)، در قالب «خوانیات» می‌گنجد. آن سه مکتوبات را میتوان در زمره «دیوانیات» قلمداد کرد. از این رو به لحاظ محتوا میتوان گفت منشآت میبیدی از «خوانیات» پُررنگ و پُرمایه‌تری به نسبت «دیوانیات» برخوردار است و عاری از «سلطانیات» می‌باشد.

به نظر نگارنده این سطور می‌رسد که در افکار و آراء میبیدی، نوعی «همدلی» را می‌توان احساس کرد.

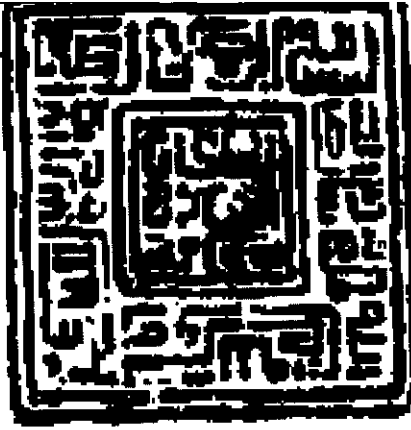
به عنوان مثال، در صفحات ۷-۷۶ آورده است: «اگر نظر به واقع می‌کرد راست نبود، و خرد می‌گفت آن جناب دروغ نخواهد فرمود، در بادیه تحیر سرگشته بودم و بر بادپای تفکر سیر می‌نمودم، ناگاه آفتاب هدایت از مطلع عنایت طالع شد، و برق تحقیق از هوای توفیق لامع گشت ملهم شدم که این معنی نه صورت شکایت است، بلکه رشحه [ای] از عین عنایت است... و بر ضمیر منیر روشن شده که پیوسته صورت خجسته سیرتش بر لوح ضمیرجان فقیر حقیر مصور است و هم دیده وهم دل بر مثال سپهر از نور مهرش منور...» در اینجا میبیدی با رجعت به خرد و دل خویش در مورد واقعه یا قضیه‌ای تاریخی به تفکر نشسته و تصمیم‌گیری می‌نماید.

بدین ترتیب با آن واقعه تاریخی نیز همدلی میکند.

در مورد نثر و سبک نگارش اثر باید گفت که نثری منبشانه داشته و از تعابیر ادبی بسیار زیبایی بهره برده است، هر چند، گاهی با عبارت‌پردازی‌های مصنوع خواننده را به غور در معانی واژه‌ها و کلمات وامیدارد، اما این امر را باید بازتاب کیفیت نثر پارسی در سده‌های ۹ و ۱۰ ه. ق. دانست. بدان جهت مصحح با سلیقه کتاب، کلمات ثقیل و نامانوس را در بخش «واژه‌نامه» آورده و آنها را تبیین نموده است.

از آنجا که قاضی میبیدی در یزد صاحب منصب قضاوت بوده و با اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و همچنین با اخلاقیات مردم آنجا آشنا بوده است، از این جهت اثر میبیدی می‌تواند برای مطالعه و تحقیق در تاریخ یزد نیمه دوم سده نهم و اوایل سده دهم ه. ق. نیز مفید واقع شود.

حتی به دلیل وجود اطلاعات تاریخی ارزشمند در مورد یزد و توابع، می‌تواند در رده «تواریخ



منشآت میبیدی به دلیل استناد به آیات قرآن، احادیث نبوی و تفاسیر مختلف رنگ و روی فقهی به خود گرفته است. از طرف دیگر اصول و مباحث فلسفه و عرفان نیز به نحو چشمگیری در نگارش این اثر تأثیرگذار بوده‌اند.

وجود اشعاری به زبانهای فارسی و عربی، همچنین به کارگیری فنون و صنایع ادبی مهمی همانند استعاره، کنایه، مُلمَع، تلمیح، مراعات نظیر و غیره به طرز جالبی در اثر میبیدی جلوه‌گر شده که به نوبه خود یکی از نقاط قوت منشآت میبیدی است

محلی» قرار گیرد.

میبیدی بعد از قضاوت، زراعت را پیشه خود کرده است و در این مورد معتقد است: «... به نانی خشک که از آن حاصل می‌کنم مرا قناعت است...»، او در ادامه متذکر میگردد که اگر بخواهد میتواند غیر از زراعت به سه طریق دیگر هم امرار معاش نماید: ۱. خدمتگزاری پادشاه ۲. رشوه گرفتن ۳. اخذ وظیفه تدریس و اجرت افتا و فصل خصومات و تسجیل و عقد و نکاح و ضبط اوقات و اموال ایتام و امثال آن که در نهایت دو مورد اول را قبول نداشته و مورد سوم را به صورت مشروط قبول دارد.

موضوعات مهم و محوری منشآت میبیدی را بطور فراگیر به شرح زیر می‌توان استخراج و فهرست نمود: ۱. اشاره به روابط متقابل شخصیت‌های سیاسی ۲. کیفیت سلوک آن بزرگمردان ۳. اشاره به وقایع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زمان مؤلف ۴. شرایط شخص قاضی و شرایط و کیفیت منصب قضاوت از نظر مذهب شافعی ۵. اظهار تأسف از اوضاع اجتماعی زمانه و همچنین شکایت از مردم دون مایه ۶. توجه به

مبادی و اصول فلسفه و عرفان در حکمت اسلامی.

درباره مقطع تاریخی کتاب میبیدی، مصحح و محقق کتاب معتقد است که منشآت میبیدی منبعی از سده دهم هجری است. اما با توجه به اینکه قاضی میبیدی متوفای سال ۹۰۴ یا ۹۰۹ یا ۹۱۱ ه. ق. بوده و بیشترین دوران عمر خود را در زمان آق قوینلوها (۷/۹۰۶ - ۸۵۷ ه. ق.) سپری نموده است، یعنی اینکه در سده نهم ه. ق. میزیسته نه سده دهم ه. ق.، از این رو اگر اثر میبیدی را منبعی از اواخر سده نهم و اوایل سده دهم ه. ق. بدانیم به واقع نزدیکتر است و از آنجاییکه تمام مطالب و اخبار و اطلاعات این اثر به ظن قوی متعلق به زمان آق قوینلوهاست بدین علت هم منشآت میبیدی می‌تواند از نظر سلسله‌ای، منبعی از دوران ترکمانان آق قوینلو قلمداد گردد.

کوتاه سخن این که هر چند میبیدی بنا به دو تاریخ از سه تاریخ وفات خود احتمال دارد که در دوران صفوی فوت کرده باشد، اما باید دقت داشت که این اثر هیچگونه اخبار تاریخی از سلسله مذکور بدست نمیدهد. بنابراین آیا می‌توان منشآت میبیدی را کتابی از منابع سده ۱۰ ه. ق. و یا دوران صفوی دانست؟

از طرف دیگر، اگر سالهای مذکور درباره فوت میبیدی یا محتوا و موضوع کتاب تطبیق گردد باز میتوان این منبع را مختص زمان آق قوینلوها دانست. بدین ترتیب و به ظن قوی میتوان سال وفات میبیدی را ۹۰۴ ه. ق. دانست تا این اثر مهم محل رجوع دانش پژوهان آن مقطع تاریخی قرار گرفته و در هر چه بیشتر شناخته شدن آن سلسله تاریک تاریخ ایران، مفید واقع شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. جلالی، نادره: «نگاهی به کتاب شرح دیوان منسوب به امیر المومنین علی بن ابی طالب (ع)»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال چهارم، شماره پنجم، ۳۰ اسفند ۱۳۷۹، ص ۷۵.
۲. نگارنده احتمال میدهد که منظور میبیدی از سلطان مندا، یکی از پادشاهان محلی هند، و نیز محمدشاه شاید همان محمد شاه بهمنی (۸۸۷-۸۶۷ ه. ق.) باشد. فرد اخیرالذکر یکی از پادشاهان سلسله بهمنیان دکن در هند میباشد.